

Biography and Study of the Cognitive Style of the Sultan Ahmad Oweis Jalaiera's Lyrics Collection

Leila Bagheri^{*}, Gorbanali Ebrahimi^{}**

Morteza Rashidi^{*}**

Abstract

Sultan Ahmad-e-Oweis is one of the sultans of Al-Jalayer, who were an artist and a poet that wrote poetry in Arabic, Persian, and Turkish. Unfortunately, there is no copy of Sultan Ahmad Jalayri's poetry collection in Iran. However, according to historical, literary, and artistic writings, there are two versions of his collection outside Iran. The first copy is in the Ayasufiya Library of Turkey and the second version, which is the basis of the present study, is archived and numbered f1932 in the Farir Gallery. Most of the poems in the latter version include the sonnets of Ahmad ibn Oweis. Though Sultan Ahmad was refined in different forms of poetry, he was mainly a sonneteer and his sonnets outnumbered his other poetry genres. He wrote 622 sonnets with 4385 verses. He wrote the sonnets following the style of the eighth-century poets and his sonnets enjoyed various weight formats and content and also the themes of love, mysticism, criticism, etc. Ahmad-e Jalaieri, in his

* PhD student in Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University Najaf Abad Branch, Najaf Abad, Iran, leilabagheri2776@gmail.com

** Assistant Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najaf Abad, Iran (Corresponding Author), ghorbanali.ebrahimi333@gmail.com

*** Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch, Najaf Abad, Iran, mortezarashidi51@yahoo.com

Date received: 29/06/2021, Date of acceptance: 30/10/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۲۶ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

mystic sonnets, like most mystic poets, believes in the ideas and principles part of which can be seen as reflected in mystic vocabulary choice,

Keywords: Jalaierian, Ahmad Oweis, Manuscript, Sonnets, Stylistics.

شرح حال و بررسی سبک‌شناختی غزلیات دیوان سلطان احمد اویس جلایر

لیلا باقری*

قربانعلی ابراهیمی**، مرتضی رشیدی آشجردی***

چکیده

سلطان احمد اویس از سلاطین هنرمند و شاعر آل جلایر است که به سه زبان عربی، فارسی و ترکی شعر می‌سرود. متأسفانه در داخل ایران نسخه‌ای از دیوان اشعار سلطان احمد جلایر وجود ندارد. اما در خارج از ایران بنابر نوشته‌های کتب تاریخی، ادبی و هنری چنین برمی‌آید که دو نسخه از دیوان اشعار سلطان احمد جلایر موجود است. نسخه اول در کتابخانهٔ ایاصوفیه ترکیه و نسخه دوم - که اساس کار در این پژوهش است - در نگارخانهٔ فریر با شمارهٔ f 1932 نگهداری می‌شود و بیشتر اشعار آن شامل غزلیات احمد بن اویس است؛ سلطان احمد اگرچه در قالب‌های دیگر شعری طبع‌آزمایی کرده، شاعری غزل‌سرا بوده و تعداد غزل‌های او از سایر قالب‌ها بیشتر است. این شاعر ۶۲۲ غزل دارد که مجموع ابیات آن به ۴۳۸۵ بیت می‌رسد. وی غزل را به شیوهٔ شاعران قرن هشتم سروده که از لحاظ وزن و مضمون، متنوع و درون‌مایهٔ آن عشق و عرفان است. وی در غزل‌های خود مضامین متنوعی از جمله: مضامین عارفانه، عاشقانه، انتقادی و ... را

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران،
leilabagheri2776@gmail.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران
(نویسندهٔ مسئول)، ghorbanali.ebrahimi333@gmail.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران،
mortezarashidi51@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸

به کار گرفته؛ اما نکته قابل توجه این است که در غزلیات عرفانی همانند اکثر عارفان به اصول و اندیشه‌هایی معتقد است که بخشی از آن‌ها را در انعکاس واژگان صوفیانه او می‌بینیم.

کلیدواژه‌ها: جلایریان، احمد اویس، نسخه خطی، غزلیات، سبک‌شناسی.

۱. مقدمه

دوره حکومت جلایریان که در مدت زمان بسیار ناچیز قسمت کوچکی از تاریخ ایران را به خود اختصاص داده است، دارای اهمیت فراوانی چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ هنری و ادبی می‌باشد. اگرچه در زمان حکومت این سلسله به علت گرفتاری‌های داخلی و فقر مالی، مجال تدوین کتب و رسالات بسیار کم دست می‌داد اما باید گفت که «بازار شعر و ادب در دوره تیموری بسیار پُر رونق بوده و شاعران فراوانی در مراتب مختلف در این دوره ظهور کرده‌اند. در اصل، باید گفت به علوم ادبی بیش از هر دانش دیگری در دوره تیموری توجه می‌شد.» (بساک و اسدی لاری، ۱۳۹۳: ۵۶)

عظمت و حدّ اعلای وسعت و نفوذ جلایریان را در زمان سلطان اویس باید یافت که خوزستان و شیروان و عراق عجم و در مدتی کوتاه اصفهان و فارس را نیز تحت نفوذ داشته است و حتی مدتی نامعلوم در مکه به نامش خطبه خوانده و سکه زده‌اند. سلطنت سلطان احمد با کشتن برادرش سلطان حسین آغاز گردید و با کسب قدرت، سرزمین‌های آذربایجان، کردستان و بغداد را تصرف کرد و برادر کوچکش - سلطان بایزید - علیه او قیام نمود و برخلاف میل او عراق عجم را به تصرف درآورد و در شهر سلطانیه بر تخت نشست. (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۳۱۶) دوره سلطنت سلطان احمد را به دو دوره مشخص باید تقسیم کرد. دوره اول: زمان پیش از حمله تیمور گورکان که به حالت عادی آن زمان گذشته است. دوره دوم: زمان بعد از حمله تیمور می‌باشد که پیوسته در جنگ و گریز و حبس و تبعید گذشته و گاهی مملکت در دست این و گاهی در دست آن دیگری بوده است.

۲. بیان مسئله

دیوان احمد بن اویس معروف و مشهور به سلطان جلایر از جمله آثار ارزشمند دوره تیموری است که ۳۳۷ صفحه دارد و در قالب‌های مختلف غزل، قطعه، رباعی، دوبیتی، مثنوی، ابداعی، قصیده و مفردات سروده شده است. از آن‌جا که سلطان احمد هم شاعر بوده و هم نقّاش، بررسی دیوان او به لحاظ سبک‌شناسی شعر و نیز سبک نگارگری اهمیت فراوان دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر به منظور معرفی این شاعر و ویژگی‌های سبک‌شناختی غزلیات دیوان شعر او شکل گرفته است. از آن‌جا که هیچ نسخه‌ای از دیوان اشعار سلطان احمد جلایری در ایران وجود ندارد و تنها در چند جُنگ به ذکر پراکنده اشعارش پرداخته شده، اساس کار در این پژوهش دیوان مصوّر سلطان احمد جلایر (۸۱۳ - ۷۸۴ هجری قمری) است که در نگارخانه فریر موزه اسمیتسونین واشنگتن به شماره f 1932 نگهداری می‌شود. متأسفانه برخی از صفحات دیوان از بین رفته و اشعار آن‌ها کامل نیست؛ اشعار موجود در این دیوان اکثراً غزلیات سلطان احمد هستند که اطراف و حواشی متن اشعار، تشعیر، تذهیب، نگارگری و تزئین شده است.

۳. روش تحقیق

در پژوهش پیش‌رو، بخش معرفی نویسنده، مذهب، معاصران و نیز معرفی نسخ موجود از اثر، به روش کتابخانه‌ای و بخش معرفی نسخه‌ها و ویژگی‌های سبک‌شناختی اشعار به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است.

۴. مبانی تحقیق

۱.۴ معرفی سلطان احمد اویس

معزالدین سلطان احمد بن اویس بن حسن بن آغ‌بوغابن ایلکا بن جلایر، آخرین پادشاه از دودمان جلایریان (ایلکانیان) است. (خاماچی، ۱۳۸۹: ۱۸۳) او شاعر، موسیقی‌دان، نقّاش و دومین پادشاه از دودمان جلایریان است. احمد بن اویس مشهورترین پادشاه جلایر فرزند شیخ حسن بزرگ و دلشاد خاتون بود و در رجب سال ۷۵۷ هجری قمری بر تخت سلطنت نشست که جزئیات جلوس سلطان اویس و تهنیت شاعران را مؤلفان حبیب‌السیر و

۱۳۰ کهن‌نامهٔ ادب پارسی، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

مطلع السَّعدین به تفصیل نوشته‌اند. (ر.ک: عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۷۲: ۳۱۱-۳۱۰ و خواندمیر، ۱۳۶۲: ۲۳۸) پس از مرگ شیخ حسن بزرگ، اویس، فرزندش، بر تخت پادشاهی نشست. «اویس لقب سلطان گرفت و به نام معزالدتیا و الدین سلطان اویس بهادرخان خوانده شد.» (بیانی، ۱۳۴۵: ۱۲۹) ناصر بخارایی سروده است:

غیاث اهل ممالک، مغیث مُلک و ملل عزیز مصر ممالک، معز دولت و دین

(بخارایی، ۱۳۵۳: ۱۰۴)

در زمان سلطنت سلطان احمد، قلمرو دولت ایلکانی به وسیع‌ترین حد خود رسید و در شهرهای تبریز، اردبیل، خوی، نخجوان، شروان، شیراز، کاشان، بغداد و واسط به نام او و دولتش سکه ضرب می‌شد و حتی والی مکه هم به نام او خطبه خواند. (غیاثی، ۱۹۷۵: ۸۸) دربارهٔ مرگ سلطان اویس گفته‌اند: «در موقعی که با جنگ امیر ولی حاکم مازندران - که به ساوه دست‌اندازی کرده بود - عازم می‌شد، در تبریز مریض شده، در سن سی و هفت سالگی در تبریز وفات یافت. (ر.ک: غنی، ۱۳۶۹: ۲۸۷ و نیز مشکور، ۱۳۵۲: ۵۹۱) گویند در بستر مرگ این شعر را سرود:

ز دارالملک جان روزی به شهرستان تن رفتم

غریبی بودم این‌جا چند روزی با وطن رفتم

آلا ای هم‌نشینانم شدم محروم از این دنیا

شما را عیش خوش بادا در این خانه که من رفتم

به گفتهٔ محمدجواد مشکور در تاریخ تبریز، قبر سلطان اویس در شادی‌آباد مشایخ است که اکنون در قریهٔ "پینه شلوار" (پیران شروان) در شش کیلومتری جنوب شرقی تبریز و در دو کیلومتری استخرشاه (شاه‌گلی) قرار دارد. از قرار معلوم این قبرستان اختصاص به عُرفا و مشایخ صوفیه داشته است.

۲.۴ ویژگی‌های ظاهری و اخلاقی

در باب ویژگی‌های ظاهری سلطان احمد اویس، دولت‌شاه می‌نویسد:

شرح حال و بررسی سبک‌شناختی غزلیات دیوان ... (لیلا باقری و دیگران) ۱۳۱

... حُسن و جمال وی به مرتبه‌ای بود که روزی که سوار شدی اکثر مردم بغداد، دوان به سر راه او آمدندی و در جمال او حیران ماندندی و به زبان حال این بیت سراییدندی:

بوی پیراهن یوسف ز جهان گم شده بود عاقبت سر ز گریبان تو بیرون آورد

(دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۶۶: ۱۹۷)

سلطان احمد بسیار تندخو و سفاک و ظالم بود و پیوسته تمام اطرافیان از او بیمناک بودند و در بعضی مواقع به واسطه همین ترس، به دشمن می‌پیوستند، ولی گذشته از این عادات ناپسند دارای صفات خوبی نیز بوده است. از جمله بسیار شجاع و جنگ‌جویی بسیار بی‌باک، هنرمند، موسیقی‌دان و دارای طبع شعری بسیار روان بوده است. وی ادباً، صنعت‌گران و هنرمندان را تشویق و ترغیب می‌کرد و پیوسته دربار وی از این نوع افراد مملو بود. (روملو، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۸۷) به آبادی شهرها اهمیت فراوان می‌داد و آب‌نیه و آثار زیادی به دستور وی ساخته شد. به دستور امیر تیمور، خانواده سلطان احمد را با تعدادی از صنعت‌گران و هنرمندان که همه از نخبگان بودند را از هر طبقه جمع کرده و به سمرقند انتقال دادند. در این میان نام عبدالجی نیز که از نقاشان بنام دربار جلایری بود نیز به چشم می‌خورد که با منتقل شدن به سمرقند به عنوان استاد در خلق آثار به هنرنمایی می‌پرداخت و همچنین تعلیم هنرمندان را به عهده داشت که این کار وی، حلقه اتصال مکتب جلایری به مکتب هرات و تیموری بود. (علی‌یزدی، ۱۹۷۲: ۴۵۵)

۳.۴ هنرهای شاعر

سلطان اویس به شعر و شاعری علاقه بسیار داشت، خود را شاگرد سلمان ساوجی می‌دانست و سلمان نیز اشعار بسیاری در مدح او، پدرش حسن بزرگ و همسرش دلشاد خاتون سروده است. وی نقاشی هم می‌کرده است، نامه‌های او به سلاطین دیگر معمولاً به نظم بوده و خط خوبی هم داشته است. محمدعلی تربیت درباره هنرهای او می‌نویسد:

سلطان احمد از سلاطین هنرمند و لطیف‌طبع سخنور و نیکومنظر بود. در فن نقاشی و موسیقی مهارت داشت. شعرشناس و شاعر بود و اکثر شعرا در محفل او حاضر می‌شدند و این بیت از اوست:

دارو مده طبیب که داریم درد عشق ما به نمی شویم و تو بدنام می شوی

(تربیت، ۱۳۱۴: ۴۶۷)

۴.۴ معاصران و ممدوحان

شاعران زیادی در دربار احمد اویس مجتمع بودند؛ از جمله می توان به سلمان ساوجی، ناصر بخارایی، غیب‌زاکانی و... اشاره کرد. این اجتماع شاعرانه، نشان‌دهنده علاقه سلطان احمد به شعر و ادب است. صله‌های فراوان و نواخت بی حد و حصر شاعران دربار فراوان بوده است؛ به طوری که یکبار لکن زرین شمعی را به خاطر بیتی از سلمان ساوجی بدو بخشید. حتی حافظ در خارج از خطه فارس با سلطان اویس و سلطان احمد جلایری، پیوسته در ارتباط ادبی بود و این دو اهمیت و احترام فراوانی برای شاعر شهیر قائل بودند. (بیانی، ۱۳۴۵: ۳۸۶)

ملک الشعرا مولانا شرف‌الدین حسن بن محمد تبریزی معروف به شرف‌الدین رامی از شاعران و نویسندگان معروف قرن هشتم هجری است. زندگانی وی بیشتر در خدمت آل جلایر گذشت و به دربار سلطان احمد اویس اختصاص داشت. رامی، دو اثر به نام‌های انیس‌العشاق و حدائق‌الحقایق - که شرح حدائق‌السحر رشید و طواط است - را به نام این پادشاه نوشت. (صفا، ۱۳۶۹، ج ۳: ۱۳۱۵-۱۳۱۳) نظام‌الدین شامی کتاب ریاض‌السُّلُوک را به نام احمد اویس موشح ساخت. (ادوارد براون، ۱۳۵۷: ۴۹۳) و غیب‌زاکانی چهار قصیده در مدح این سلطان سروده است. (بیانی، ۱۳۴۵: ۳۸۸) خواجه شمس‌الدین حاجی محمد عصار تبریزی نیز از مداحان سلطان احمد بوده است. (نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۰۳) خواجه کرمانی نیز در مقطعی از عمر، جزو شعرای دربار شیخ احمد اویس ایلککانی درآمده است. (همان: ۲۰۰) ناصر بخارایی که بر اساس حکایتی با واسطه سلمان ساوجی به دربار جلایریان راه یافته بود، از مداحان سلطان احمد جلایر است. قصیده ۳۱ در دیوان به مدح این پادشاه اختصاص دارد که با مطلع زیر آغاز می‌شود:

کعبتین روز و شب در طاق آخضر کرده‌اند هفت‌خانه در دو شش خانه مشدر کرده‌اند

(بخارایی، ۱۳۵۳: ۴۵)

شرح حال و بررسی سبک‌شناختی غزلیات دیوان ... (لیلا باقری و دیگران) ۱۳۳

ناصر در این قصیده احمد اویس را ظلّ یزدان و آفتاب سلطنت می‌داند که هفت‌اقلیم را برای او مقرر کرده‌اند.

۵.۴ معرفی نسخ دیوان اشعار سلطان احمد جلایری

سلطان احمد علاوه بر خوشنویسی و موسیقی در حوزه ادبیات هم نقش اساسی داشت و در کنار علاقه وافرش به حافظ شیرازی و اشعارش (Brill, ۱۹۹۶: ۱۹۴)، خود نیز اشعار عرفانی می‌سرود. متأسفانه در داخل ایران نسخه‌ای از دیوان اشعار سلطان احمد جلایر وجود ندارد و علاقه‌مندان تنها به جُنگ‌هایی که در آن‌ها اشعاری از وی موجود است، اکتفا نموده‌اند.

در معرفی جُنگ‌هایی که در آن‌ها اشعار سلطان احمد موجود است، می‌توان ابتدا از جُنگ متعلق به مرحوم عبدالحسین خان بیات نام برد که یکی از معتبرترین این جُنگ‌ها و شامل بیش‌ترین اشعار می‌باشد و به انجمن آثار ملی سابق، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی اهدا شده است. از دیگر جُنگ‌های موجود عبارتند از:

نسخه انجمن که دارای ۱۷۲ صفحه و مجموعه آثار ۵ شاعر و نویسنده است که دیوان سلطان احمد جلایر نیز در آن وجود دارد و نسخه‌ای است بسیار کهن که به شماره (میکروفیلم ۵۸۲۷) در دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.

جُنگ سوم به شخصیتی فرهنگ‌دوست و دوست‌دار نسخ خطی به نام احمد افشار شیرازی متعلق می‌باشد که عکس نسخه وی به شماره (۲۶۰۳) در دانشگاه تهران موجود است.

راجع به اشعار سلطان احمد و قریحه سرایش وی، علاوه بر دولت‌شاه سمرقندی که در کتاب تذکره الشعرا به شرح و توضیح مشاعره بین سلطان احمد و حافظ و همچنین اشعاری که سلطان احمد برای امیر تیمور سروده، پرداخته است. (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۰۶-۳۰۵) علامه فقید قزوینی نیز در سال ۱۳۲۳ در شماره نخست نشریه یادگار، مقاله‌ای به نام «تحقیقات ادبی حافظ و سلطان احمد جلایر» منتشر کرد که بیشتر شامل نکاتی دقیق راجع به ابیاتی از حافظ بود که در مدح سلطان احمد جلایر سروده شده است. (قزوینی، ۱۳۲۳: ۱۰-۹)

اما در خارج از ایران دو نسخه از دیوان اشعار سلطان احمد جلایر موجود است. راجع به نسخه اول مهدی بیانی در کتاب احوال و آثار خوشنویسان، آن‌جا که به معرفی خوش‌نویس این نسخه می‌پردازد، چنین بیان می‌کند: «صالح بن علی رازی، از قدیم‌ترین نستعلیق‌نویسان گمنام است و به خط وی یک دیوان سلطان احمد جلایر در کتاب‌خانه ایاصوفیه ترکیه به کتابت خفی متوسط نوشته شده است.» (بیانی، ۱۳۵۸: ۳۲۶) آژند در مقاله‌ای با نام (مکتب نگارگری بغداد) اذعان می‌دارد که نسخه موجود در ترکیه به شماره ثبت A.2946 در موزه آثار اسلامی و ترکی استانبول محفوظ است و این نسخه نیز دارای تذهیب‌های چشم‌نواز و زیبایی است. (آژند، ۱۳۸۲: ۸۷)

۶.۴ ویژگی نسخه‌شناسی دیوان

این نسخه شامل ۳۳۷ صفحه و ۷۵۲۰ بیت است. صفحات کتاب را کاغذهای نخودی رنگی تشکیل می‌دهند که به رنگ‌های طلائی، آبی و قرمز قلم‌گیری و تشعیر شده است. در این صفحات اشعار سلطان احمد در قالب‌های مختلف غزل، قطعه، رباعی، دوبیتی، مثنوی، ابداعی، قصیده و مفردات آورده شده‌اند. (کن‌بای، ۱۳۷۸: ۵۰) این دیوان همچون دیگر کتب عرفانی و ادبی با حمد و ستایش خداوند و نعت حضرت رسول (ص) آغاز می‌شود و مطلع دیوان با غزلی با این مضمون آغاز گردیده است:

ای ذات تو ابتدای بی حد حمد تو چگونه گوید احمد

از متن صفحه ۸۲ و بررسی و تحلیل آن چنین برمی‌آید که نویسنده پس از اتمام مجلس و تقاضای حضار که در پی دانستن نام صاحب غزل بودند و از آن‌جا که ایشان را اهل فن و نظر می‌دانستند و از ایشان درخواست کمکی کنند. نویسنده نیز در کتب (قصاید و طیبیات و بدایع و خواتیم و غزلیات سعدی) به دنبال یافتن شعر به جست‌وجو می‌پردازد و بنابر پیشنهاد یکی از دوستان از غزلیات این پنج کتاب فهرستی از حرف اول هر غزل تهیه نموده و در سنه سته و عشرین و سبع مائه هجری (۷۲۶) به اتمام می‌رساند. در ظرف بیست سال چند نسخه از این فهرست منتشر می‌شود و بعد از چندین سال به تاریخ آخر رجب سنه اربع و ثلاثی و سبع مائه هجری (۷۳۴) فهرستی بر اساس حروف آخر غزلیات برای طیب خاطر خوانندگان تهیه می‌نماید که شامل شش رساله؛ رساله اول در تقریر دیباچه،

شرح حال و بررسی سبک‌شناختی غزلیات دیوان ... (لیلا باقری و دیگران) ۱۳۵

رساله دوم در مجلس پنجگانه، رساله سوم در سؤال صاحب دیوان، رساله چهارم در عقل و عشق، رساله پنجم در نصیحت ملوک و رساله ششم در سه رساله است.

باید گفت که غزل پرکاربردترین قالب شعری در دیوان احمد اویس است. این شاعر ۶۲۲ غزل دارد که مجموع ابیات آن به ۴۳۸۵ بیت می‌رسد. با وجود این که سلطان احمد جلایری در انواع قالب‌های رایج در روزگارش طبع آزمایی کرده است، باید وی را در شمار غزل‌سرایان قرن هشتم آورد؛ زیرا بسامد غزل‌های وی نسبت به سایر قالب‌ها بیش‌تر است. برای روشن شدن موضوع، جدول زیر که بر اساس اطلاعات مصحح تنظیم شده است، ارائه می‌شود:

ردیف	قالب	تعداد	شمار ابیات
۱	غزل	۶۲۲	۴۳۸۵
۲	قصیده	۶۸	۲۱۵۵
۳	ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مسمط، قطعه و مثنوی	۳۲	۹۱۴
۴	رباعی، دوبیتی و مفردات	۳۸	۶۶
جمع کل:			۷۵۲۰

۵. ویژگی‌های سبک‌شناسی غزلیات

۱.۵ وزن غزل‌های سلطان احمد

دربارهٔ اوزان غزل‌های احمد جلایری باید ابتدا اشاره کنیم که «در نیمهٔ اول قرن هشتم، رفته‌رفته استعمال اوزان متوسط ثقیل مانند (مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن: بحر مضارع مثنیٰ احرب مکفوف محذوف) و (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن: بحر رمل مثنیٰ محذوف) رو به تزايد رفت و از نیمهٔ دوم قرن هشتم به مناسب زمزمهٔ حزن و اندوه و نومییدی و ناکامی در غزل‌ها که منبعث از بدبختی‌های اجتماعی بود، این اوزان مورد استفاده قرار گرفت. (صبور، ۱۳۵۷: ۳۴۳) ضمناً در نیمهٔ دوم این قرن، جز حافظ «غزل‌سرایان دیگر به وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن، توجه و تمایل نشان می‌دهند.» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۳۳) اوزان غزلیات احمد بن اویس متنوع است و می‌توان گفتن که بیشتر غزل‌های این شاعر با اوزان متوسط خفیف و ثقیل که آهنگی غم‌انگیز دارد، سروده شده است. در جدول زیر اوزان غزل‌های احمد جلایری و نسبت درصد استعمال هر یک ارائه شده است:

نسبت درصد استعمال	وزن بحر	اوزان
۱۹/۲۹	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مَثَمَن مخبون)	متوسط خفیف
۱۴/۰۸	مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فاعلن (مَجْثَث مخبون)	

نسبت درصد استعمال	وزن بحر	اوزان
۱۶/۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مَثَمَن محذوف)	متوسط ثقیل
۱۲/۷۸	مفعول فاعلاتن مفاعیلُ فاعلن (مضارع مَثَمَن اخرب مکفوف محذوف)	

بدین ترتیب روشن می‌شود که چهار وزن یاد شده پرکاربردترین اوزان غزل‌های احمد جلایری هستند.

۲.۵ ردیف و قافیه در غزلیات اویس جلایری

بر اساس آمارگیری از غزلیات احمد بن اویس ۶۴/۳۶ درصد از غزل‌های این شاعر مردّف و ۳۵/۴۲ درصد از آن‌ها بدون ردیف به‌کار رفته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که این شاعر تمایل بیشتری به غزل‌های مردّف داشته است. ردیف‌های غزل‌های اویس را بر اساس نوع کلمه (اسم و فعل و حرف) و یا ترکیبی از این‌ها می‌توان این‌گونه تقسیم‌بندی نمود:

ردیف اسمی: ۸/۲۱٪ ردیف فعلی: ۴۷/۲۳٪

ردیف حرف: ۲/۶۸٪ ردیف مرکب: ۱۰/۵۶٪

سلطان احمد بیشتر از ردیف‌های فعلی بهره‌مند شده است؛ به‌طوری‌که اگر ردیف‌های مرکب از اسم و فعل را هم به ردیف‌های فعلی وی بیفزاییم، درصد استعمال آن‌ها به ۵۵/۵ درصد می‌رسد. در شعر این شاعر، ردیف‌های ساده و ابتدایی بسیار به‌کار رفته‌اند؛ مثلاً ردیف «است» و مشتقات آن را با شکل‌های مختلف (صورت‌های صرفی) ۸۳ بار به‌کار برده است که اگر ردیف‌هایی مثل «توام» و «تویی» را نیز به آن‌ها اضافه کنیم، میزان آن‌ها به ۸۶ غزل می‌رسد.

شرح حال و بررسی سبک شناختی غزلیات دیوان ... (لیلا باقری و دیگران) ۱۳۷

قافیه‌های احمد بن اویس از کلمات هم‌قافیه معمولی است که در حروفی چون (ان، ا، ار، اب و ال) مشترک‌اند. در غزل‌هایی نیز همانند قصیده از قافیه‌های بدیعی استفاده می‌کند؛ مثلاً در غزلی با مطلع زیر با مرغ زار و مرغزار نوعی جناس ساخته است:

نسیم صبحدم از مرغزار برخیزد هزار زاری از مرغ زار برخیزد

(سلطان احمد، ۸۰۹: ۲۴۵)

صنعت لزوم ما لایزم نیز در غزل‌هایش به کار می‌رود؛ مثلاً در غزل ۱۷۴ در حالی که می‌توانست کلمات (آفت و اضافت) را با کلماتی چون (رویت) هم‌قافیه سازد، خود را ملزم به رعایت حرف (ا) قبل از حرف (ت) کرده است. مطلع این غزل چنین است:

حُسنَت همه آشوب و جمالت همه آفت شوخی به تو منسوب و جفا با تو اضافت

(همان: ۲۱۷)

۳.۵ ویژگی‌های ادبی غزلیات احمد بن اویس

۱.۳.۵ صُورخیال

سلطان احمد اگرچه هرگز از نظر کاربرد صُورخیال در صدر شاعران این قرن نیست، اما تاجایی که توانسته در دیوان خود و به‌ویژه غزلیات از صنایع ادبی بهره‌ فراوان برده است. با این حال از نظر پرداختن به صُورخیال نمی‌توان شعر او را با قصاید فخیم سلمان و غزل‌های حافظ مقایسه نمود.

۲.۳.۵ تشبیه

گسترده‌ترین حوزه خیال در غزل‌های احمد بن اویس تشبیه است. می‌توان گفت که شاعر در این زمینه بیشتر از صُورخیال دیگران بهره‌مند شده است. اگرچه سعی می‌کند زاویه دید تازه‌ای در آن به کار گیرد و به آن نوعی تازگی ببخشد؛ مثلاً آن‌گونه که تشبیه ابرو به محراب یک تشبیه عام و فراگیر در اکثر دیوان‌هاست و سلطان احمد جلایری در بیت زیر می‌کشد آن را با تازگی بازسازی کند:

شعشعه روی تو پرتو بدر مُنیر طاق دو ابروی تو قبله اهل نماز

(همان: ۲۲۰)

این بازسازی تصویری گاه از طریق تشبیهات غیرمستقیم انجام می‌شود (صبور، ۱۳۵۷: ۵۳۳) که احمد اویس آن‌ها را به صورت اِضمار و تلویح و اغلب با نگرش تفضیل مشبه بر مشبه، به کار می‌برد:

رعنایی سرو از قد تو گشت معین رفت تو پیاموخت روش کبک دری را

(سلطان‌احمد، ۸۰۹: ۶۳)

هست از آن زلف تو مشک مشوش دماغ هست بر آن روی تو دیده خورشید باز

(همان: ۱۶۸)

مشبه و مشبه‌به در ابیات ذکر شده تازه نیستند، ولی سلطان احمد با اِضمار و تفضیل سعی می‌کند آن‌ها را بازسازی کند و به‌طور کلی یکی از دلایل عدم اشتها بعضی شاعران، از جمله احمد جلایری ضعف تصویرسازی در خصوص صورخیال تازه در زمینه بازسازی صورخیال دیگران است.

سلطان احمد جلایری در تشبیه‌سازی از بُن‌مایه‌های تلمیحی نیز بی‌نصیب نیست:

خواجو اگر شعر گفت خوشتر از این خود نگفت

بنده چو محمود شد، شاه که باشد آیاز

(همان: ۲۶۷)

من چو مجنون بی‌دلم اینک مجال فرصتی پیش لیلی بازگویم ماجرای خویشتن

(همان: ۸۵)

به‌طور کلی صورخیال به دو صورت در شعر شاعران جلوه می‌کند: یک دسته صورخیالی است که جنبه ابداعی ندارد و دسته دیگر تخیلاتی است که از ساخته‌های ذهن و نیروی تخیل شاعر است. «توجه به صور خیال سنتی و کلیشه‌ای، شاعران را از تجربه مستقیم درباره اشیا بازداشته است.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۰: ۲۰۷) برای مثال تشبیه شراب با آفتاب یا خورشید که در شعر احمدبن‌اویس آمده در شعر رودکی نیز آمده است:

شرح حال و بررسی سبک شناختی غزلیات دیوان ... (لیلا باقری و دیگران) ۱۳۹

شب آخر زمان تیره است ساقی باده روشن به صبح از مشرق ساغر برآور آفتاب دن
(سلطان احمد، ۱۳۹۹: ۲۵۶)

سحر ز خون دل شب بریخت می در جام برآور از افق ساغر آفتاب مدام
(همان: ۸۷)

رودکی:

هم به خم اندر همی گدازد چونین تا به گه نوبهار و نیمه نیشان
آن گه اگر نیم شب درش بگشایی چشمه خورشید را بینی تابان
(رودکی سمرقندی، ۱۳۹۳: ۲۵۶)

میزان استفاده سلطان احمد اویس از آرایه تشبیه در غزل های او به تفکیک انواع تشبیه در جدول زیر قابل مشاهده است:

ردیف	انواع تشبیه	میزان درصد استعمال
۱	تشبیهات فشرده	٪۳۸/۶۶
۲	تشبیهات مرکب	٪۱۴/۲۲
۳	تشبیه حروف	٪۲/۳۴
۴	تشبیه مشروط	٪۳/۲
۵	تشبیه تفضیل	٪۱۰/۴
۶	تشبیه مفروق	٪۸/۱۶
۷	تشبیه ملفوف	٪۹/۱۲
۸	تشبیه جمع	٪۶/۱۴
۹	تشبیه تسویه	٪۴/۱۸

همان گونه که در جدول بالا می بینیم، بیشترین نوع تشبیه در غزلیات احمد بن اویس مربوط به تشبیه فشرده و کمترین آن، تشبیه حروف است. در این میان، این شاعر به تشبیهات مرکب نیز توجه خاصی داشته است. حدود ۱۴ درصد از تشبیهات سلطان احمد به تشبیهات مرکب اختصاص دارد؛ اغلب اجزای سازنده تشبیهات مرکب در غزلیات احمد بن اویس، حسی به حسی هستند. اجزای سازنده تشبیهات مرکب در دو حوزه کلی

۱۴۰ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

طبیعت بی‌روح شامل زمینی و فلکی و طبیعت زنده شامل نبات و حیوان و انسان شامل اعضا و اندام انسانی مربوط به انسان از قبیل: جان، عشق، عقل، دل، افکار و خاطر.

پلک کبود نرگس چشم پر آب من نیلوفری است کو نکند میل آفتاب

(سلطان احمد، ۸۰۹: ۱۶۰)

اجزای سازنده بیت فوق اعضای انسان و نبات است.

بر برگ رزان قطره باران شده ریزان اشکی ست که بر چهره عشاق روان است

(همان: ۹۷)

اجزای سازنده در مصراع اول طبیعت زنده (برگ رزان) و عنصر مربوط به طبیعت غیرزنده، قطرات باران و در مصراع دوم انسان و امور مربوط به آن است.

یکی از نکات مورد توجه سلطان احمد اویس که در شعر شاعران دیگر این قرن نیز به چشم می‌خورد، ترکیبات تصویرسازند که شامل اضافه تشبیهی، استعاری و ... می‌گردند. برای نمونه گروهی از این ترکیبات نقل می‌شود: تیز غمزه، خوان فلک، سبزه خط، بخت خواب‌آلود، خنده ساغر، سمند عقل، تیر دعا، ترک پری چهره، نرگس مخمور، کمان‌خانه ابرو، کمیت باده، دیگ امید و ...

۳.۳.۵ استعاره

از حوزه‌های صورخیال در غزلیات احمد جلایری، استعاره است. غزل شعری غنایی است و «قوی‌ترین عنصر در ساختمان شعر غنایی و عاشقانه، استعاره است. زبانی که می‌تواند عواطف و احساسات دقیق و نرم را دور از جریان‌های عادی گفتار و دور از منطق معمولی سخن بیان کند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۸۶-۳۸۷) در بحث صورخیال عنوان می‌شود که «برخی از شاعران تشبیه‌گرا و برخی دیگر استعاره‌گرا هستند، یعنی بیشتر متمایل به ساختن تصاویر فشرده و موجز هستند، نه گسترده و تفصیلی و مدعی این همانی هستند نه شباهت.» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۱۴۴)

با آن‌که استعاره در ژرف‌ساخت نوعی تشبیه است، اگر رویکرد به استعاره مصرح باشد، احمد اویس شاعری تشبیه‌گرا است. در غزلیات سلطان احمد دو نوع مهم استعاره

شرح حال و بررسی سبک‌شناختی غزلیات دیوان ... (لیلا باقری و دیگران) ۱۴۱

یعنی مصرّحه و مکئیّه گسترش دارند. کلیشه‌ای بودن اکثر استعارات مصرّحه در یک نگاه روشن است. نظیر استعاره‌های لعل، سرو، صنم، بت و... در ابیات زیر:

بر بادنوش لعلش در روز فطرت گل آن‌ها که درکشیدند جام ألت ماییم

(سلطان احمد، ۱۰۹۰ه: ۸۳)

سرو را برخیز عزم بوستان کن خوش‌بِرا سرو اگر لافی زند بنشان به جای خویشتن

(همان: ۲۳۹)

استعارات مصرّحه در غزلیات سلطان احمد هم شامل ممدوح است و هم معشوق. به‌همین خاطر استعارات مربوط به معشوق و ممدوح غالباً درهم تنیده‌اند و نمی‌توان دقیقاً مشخص کرد که کدام استعاره مخصوص ممدوح است و کدام یک مربوط به معشوق. استعاراتی که در این حوزه‌اند مانند حوزه‌های دیگر همراه ایهام تناسب است.

مه: سلطان اویس

مهی گشت از افق طالع که پیش طالع سعدش کمر چون توأمان بسته است خورشید جهان‌آرا

(همان: ۲۲۰)

استعاره‌های مصرّحه‌ای که این شاعر در قلمرو غزل به‌کار گرفته است، همان استعاره‌های معمول و رایجی است که شاعران پیش از سلطان احمد و هم‌عصران او به‌صورت سنت ادبی به‌کار برده‌اند. استعارات معمولی چون سرو برای قد و محبوب، نرگس برای چشم، لاله استعاره از گونه، آب و آب خونین اشک، ماه برای روی و ... این‌ها از همان ابتدای شعر فارسی شروع شده است و بعدها به‌صورت یک سنت ادبی به حیات خود ادامه داده، تا این‌که به شاعرانی چون سلطان احمد اویس رسیده است.

برخی استعاره‌های مصرّحه این شاعر با وجود تکراری بودن نسبت به سایر استعارات، جالب به نظر می‌رسد؛ این استعارات معمولاً به‌صورت ترکیبی به‌کار می‌روند نظیر «آفتاب گمشده» و «شمع عیبربوی» در ابیات زیر:

ای ماه اگر به روزن او سر فروکنی آن آفتاب گمشده را جستجو کنی

(همان: ۱۹۵)

شمع عبیریوی من تا به کدام مجلس است ماه ستاره چشم من تا به کدام منزل است
(همان: ۲۶۹)

در اشعار سلطان احمد استعاره مکنیه (اضافه استعاری) از نوع غیرتشخیص دوگونه است: الف) مشبّه به محذوف حیوان است و «به اصطلاح، استعاره جانورمدارانه است» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۱۹۷) مانند: فتراک دولت، رکاب عزم، فتراک فلک و ... ب) مشبّه به محذوف غیر ذی‌روح است؛ مانند: ساحل رحمت، شاخ وحدت، موج کرم، شاخ امید. «این نوع - یعنی مشبّه به محذوف غیر ذی‌روح - در زبان کهن فارسی چندان مرسوم نبوده، ولی امروزه گرایشی به استفاده از آن دیده می‌شود: ژرفنای غم (غم به دریایی تشبیه شده که ژرفنا از ملائمت آن است؛ عمق اندوه.» (همان: ۲۰۲) در شعر سلطان احمد ۴۸ اضافه استعاری از نوع غیرتشخیص یافت شد. استعاره‌های مکنیه از نوع غیرتشخیص مانند: ساحل رحمت (۲۶)، موج دل (۲۷)، موج کرم (۱۷)، شاخ امید (۱۲)، آفاق رحمت (۲۴).

در جدول زیر درصد استعمال استعاره در غزلیات سلطان احمد جلایری ارائه شده است:

ردیف	انواع استعاره	میزان درصد استعمال
۱	استعاره مصرّحه	٪۲۹/۴
۲	استعاره مکنیه	٪۳۲/۲۶
۳	تشخیص	۲۰/۳۵
۴	استعارات ترکیبی	٪۱۲/۶

اما از میان انواع استعاره، این شاعر در غزلیات خود، بیشترین استفاده را از استعاره‌های مکنیه داشته است؛ چراکه این نوع استعاره، فضایی تصویری را در برخی غزلیات ایجاد می‌کند و سلطان احمد نیز توانسته است از این ظرفیت تصویرسازی در غزلش، استفاده مناسبی نماید:

کوزه‌ها رقص کند چون تو به میخانه روی بندها درشکند چون تو به زندان آیی
(همان: ۲۷۴)

شرح حال و بررسی سبک‌شناختی غزلیات دیوان ... (لیلا باقری و دیگران) ۱۴۳

در شعر سلطان احمد ۳۷۰ استعارهٔ مکئیّه از نوع تشخیص به‌کار رفته است که از این میان ۱۱۶ اضافهٔ استعاری مربوط به افزودن یکی از اعضا یا صفات مربوط به انسان، به یک مفهوم انتزاعی یا غیر محسوس است؛ مانند: روی نصرت (۴۵)، غیرت عدل (۷۴)، گردن عصیان (۵۱)، پشت امید (۳۷) و

شبانگه که آید زمان فراق که بادا سیه خانمان فراق

(همان: ۲۶۳)

۴.۳.۵ کنایه

کنایه، از عناصر صورخیال سلطان احمد جلایری در غزل است. در کنایه مراد، معنای ظاهری در جمله نیست، اما همانند استعاره قرینهٔ صارفه‌ای هم برای سوق دادن ذهن از معنای ظاهری به معنای باطنی ندارد. بنابراین، درک معنای کنایی مستلزم آشنایی کامل و دقت و تأمل است و چه بسا که مراد کنایه در نگاه اول فهمیده نشود.

عرصهٔ کنایات احمد جلایر به‌عنوان یکی از صورخیال نسبت به دیگر عناصر، وسعت کم‌تری دارد و بیشتر کنایات وی فضای ساده و قابل درک دارند. ذیلاً به برخی از کنایه‌های او در غزل و معنای هر یک پرداخته می‌شود:

- جگر کردن (کنایه از جرأت و جسارت کردن):

دلم خون شد ز هجر او همی ترسم که مسکین دل

چو خون شد نوبتی دیگر جگر کردن توان نتوان

(سلطان احمد، ۸۰۹: ۱۳۹)

- بازار شکستن (کنایه از رونق انداختن):

ور بخواهی بشکنی بازار خورشید و قمر برقع از رخ برفکن بنما لقای خویشتن

(همان: ۱۹۶)

کنایه را از لحاظ مکئیّ عنه (معنای مقصود) به سه دسته تقسیم کرده‌اند (ر.ک. شمیسا،

۱۳۷۱: ۲۳۸-۲۳۶)

- کنایه از موصوف (اسم):

۱۴۴ کهن‌نامهٔ ادب پارسی، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

عقد ما با دختر رز تازه گردان ساقیا کاین قضای سرنوشت از بخت مادرزاد شد
(سلطان احمد، ۱۶۸: ۸۰۹)

دختر رز: کنایه از شراب

گر خیالی از گل روید فتد در صومعه خارخاری در دلی خلوت نشین خواهدفتاد
(همان: ۲۴۹)

خلوت‌نشین: کنایه از زاهد

- کنایه از صفت:

چون شدی دامن‌کشان باری زمینش گفتمی تا به دامن پاک گردی روی گردآلود من
(همان: ۲۹۸)

آن‌کس که به یک جو نخرود ملک دو عالم رندی ز گدایان در باده‌فروش است
(همان: ۱۸۵)

به یک جو نخریدن به معنی توجه نکردن کنایه از صفت است.

- کنایه از فعل:

آفتاب برج نصرت، شهبسوار روز رزم کاسمانش غاشیه بر دوش خاور می‌کشد
(همان: ۱۴۲)

غاشیه بر دوش کشیدن کنایه از مطیع و فرمان‌بردار بودن است.

در آن زمان که زند تیغ کینه بر گردون ز سهم او مه و خورشید افکنند سپر
(همان: ۱۶۴)

سپرافکنند کنایه است از اظهار عجز کردن و تسلیم شدن.

کنایه به همراه سایر صنایع ادبی در شعر این شاعر، موجب شده تا زبان شعر احمد بن اویس از زبان نثر فاصله بگیرد، ظرفیت زبان شعر وی برای برانگیختن عواطف خواننده بالا برود و با توجه به این که خواننده در کنش خواندن و خلق معنا مشارکت می‌یابد، به یک خواننده فعال تبدیل شود و در نتیجه به التذاذ هنری دست یابد.

شرح حال و بررسی سبک‌شناختی غزلیات دیوان ... (لیلا باقری و دیگران) ۱۴۵

اما در میان سه نوع کنایه ذکر شده، بیشترین آمار مربوط به کنایه‌های فعلی است که سلطان احمد بدان‌ها رغبت بیشتری نشان داده و این هم‌گویای رویکرد شاعر به بافت ساده کلام در اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی است.

ردیف	انواع کنایه به اعتبار مکتب‌ونه	میزان درصد استعمال
۱	کنایه از اسم	۲۴/۷۸
۲	کنایه از صفت	۱۸/۸۵
۳	کنایه از فعل	۵۵/۶۵

باید گفت که کنایه‌هایی که سلطان احمد در غزلیات خود به کار برده، کنایاتی است که قبل از او در شعر فارسی تکرار شده‌است و احمد بن اویس در این زمینه چندان دست به نوآوری و ابتکار نزده‌است.

دوش کز ساغر دل خون جگر می‌خوردم شیشه ناگه بشد از دستم و بشکست این جا
(همان: ۳۶)

۵.۳.۵ مجاز

دامنه اختیار شاعر و تصرف او در عالم خیال با مجاز گسترش می‌یابد. «مجاز بر وزن مفعول از (جازالشیء یجوزه) به معنی تجاوز و تعدی کردن است و آن‌گاه که کلمه‌ای از اصل خویش عدول کند، آن را مجاز گویند. بدین معنی که از موقع اصلی خود تجاوز کرده یا از مکانی که نخست داشته، در گذشته است. پس آگاه باش که در اطلاق مجاز بر کلمه‌ای که از اصل خود برداشته شده، شرطی وجود دارد و آن اینکه این انتقال باید چنان باشد که از ملاحظه معنی اصلی خود کاملاً برهنه و خالی نباشد و مراد از این ملاحظه آن است که به سببی در میان آن‌چه مجاز می‌نامی و میان معنی حقیقی پیوندی باشد.» (جرجانی، ۱۳۷۰: ۲۵۴) سلطان احمد در غزلیات خود انواع صور مجاز را به کار می‌گیرد که این مجازها با علاقه‌های مختلف بیان می‌شود:

- علاقه کُل و جزء:

شعرم ز پاکِ طبع می‌گفت دوش کاحمد آن گوهری که هرگز ناید به دست ماییم

(سلطان احمد، ۱۴۰۹: ۲۱۱)

- علاقه حال و محل (ظرف و مظروف):

ز سَر سودای آن دلبر به در کردن توان نتوان به سوی شاهدهی دیگر نظر کردن توان نتوان
(همان: ۲۹۰)

- علاقه قوم و خویشی:

گر کند روزی نظر بر حال من محمودوار تا بود جان در تنم بالله ایازی می‌کنم
(همان: ۲۱۰)

- علاقه عموم و خصوص:

از بند این و آن به در آییم و می‌خوریم جان را به بوی وصل به باد هوا کنیم
(همان: ۹۸)

مجاز عقلی نیز به موازات مجاز لغوی در غزلیات احمد بن اویس به کار رفته است. در این نوع مجاز، فعل را به فاعل غیر حقیقی نسبت می‌دهند و از آن جا که عقل به هیچ وجه فاعل غیر حقیقی را به جای فاعل واقعی نمی‌پذیرد، آن را مجاز عقلی گویند.

- اسناد به مکان:

حَبْدًا مقدم میمون صبا در شب هجر مجلس ما ز نسیم تو معطر دارد
(همان: ۱۴۵)

- اسناد به زمان:

روزم از غصه سیه گشت و شیم پیدا شد عجبم رفت کنون بلعجبم پیدا شد
(همان: ۱۷۹)

- اسناد به سبب:

پرده برانداخت حُسن بر سر بازار عشق کاسدی جان و دل، رونق جانانه بود
(همان: ۲۷۰)

شرح حال و بررسی سبک شناختی غزلیات دیوان ... (لیلا باقری و دیگران) ۱۴۷

سلطان احمد از آرایه مجاز در غزلیات خود استفاده فراوان برده و آن گونه که پیداست بیشتر به مجاز لغوی تمایل نشان داده؛ چراکه در غزل‌های خود بر جریان لغوی کلمات نظر داشته است. جدول زیر، درصد استفاده شاعر از انواع مجاز به اعتبار علاقه‌های آن را نشان می‌دهد:

ردیف	انواع مجاز با ذکر علاقه	میزان درصد استعمال
۱	علاقه کل و جزء	٪۱۸/۴۵
۲	علاقه حال و محل	٪۲۷/۶۶
۳	علاقه لازم و ملزوم	٪۱۵/۳
۴	علاقه عموم و خصوص	۸/۴
۵	علاقه آیهت	۳/۲۳
۶	علاقه سببیت	۲/۳۴
	علاقه جنس	۱/۲۲
۷	مجاز عقلی	۲۰/۶

صنایع ادبی دیگر همچون ایهام، حسن تعلیل، تضاد، تلمیح و ... در دیوان سلطان احمد به چشم می‌خورد؛ در جدول زیر بسامد استفاده از این صنایع ادبی در غزلیات سلطان احمد اویس به تفکیک نشان داده شده است:

ردیف	صنایع ادبی	میزان درصد استعمال
۱	ایهام و انواع آن	٪۹/۳۱
۲	مراعات‌التظیر	٪۱۴/۵۲
۳	حسن تعلیل	٪۲/۸
۴	اغراق	٪۸/۸
۵	تضاد	٪۴/۸۶
۶	تناقض	٪۳/۵
۷	موازنه	٪۵/۲
۸	لف و نشر	٪۳/۳۶
۹	جناس و انواع آن	٪۱۳/۴۶
۱۰	تلمیح	٪۱۹/۳
۱۱	دیگر صنایع ادبی	٪۱۴/۷

از آن‌جا که غزلیات سلطان احمد از چاشنی عرفان برخوردار است، وی از تصاویر پارادوکسی نیز بهره برده است که در شعر عرفانی و متافیزیکی سبک عراقی جایگاه خاصی دارد. منظور از پارادوکس و تصاویر پارادوکسی، تصاویری است که «دو روی ترکیب آن به لحاظ مفهومی یکدیگر را نقض می‌کند». (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۵۴)

گر حرص زیر دست و طمع زیر پای تست سلطان وقت خویشی و سلطان گدای تست

(سلطان احمد، ۸۰۹: ۱۰۷)

سلطان احمد با استفاده از تناقض ظاهری (گدا بودن سلطان) به بیان اندیشه خود مبنی بر بالابودن مقام کسی که حرص و طمع را زیر پا نهاده، پرداخته است. در نظر شاعر مقام چنین شخص تا بدان پایه بلند است که حتی سلطان نیز گدای اوست.

ایهام نیز در غزل این شاعر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. وی از انواع ایهام در شعر خود استفاده کرده است.

ایهام ترجمه:

ای که بالای بلند تو بلای دل ماست دلم از چشم تو در عین عذاب افتاده است

(همان: ۱۲۱)

ایهام تضاد:

مقیم طاق دو ابروی تست مردم چشمم و گرچه جفت غم بی تو در زمانه تو طاقی

(همان: ۱۶۸)

غزلیات سلطان احمد سرشار از تلمیحات و اشارات گوناگون است. حجم وسیع تلمیحات و اشارات نشان می‌دهد که دایره معلومات احمد بن اویس بسیار وسیع بوده است. هم‌چنین وی به کارکردهای هنری و جنبه‌های زیبایی‌شناسی تلمیح کاملاً واقف است و برای بیان اغراض و مقاصد گوناگون از تلمیح به نحو احسن استفاده می‌کند. در غزلیات این شاعر می‌توان تلمیحات ادبی، اساطیری و قرآنی را به‌عنوان تلمیحات مرکزی قرار داد. شاید دلیل توجه زیاد سلطان اویس به تلمیحات ادبی این باشد که اشاره به داستان‌های عاشقانه از موضوعات اصلی غزل، به‌ویژه غزل عاشقانه است.

شرح حال و بررسی سبک‌شناختی غزلیات دیوان ... (لیلا باقری و دیگران) ۱۴۹

هم‌چنین‌آشنایی سلطان احمد اویس با عرفان و مضامین عرفانی باعث شده است که وی به آیات قرآنی و احادیث نیز توجه کند.

شکل گیسوی و دهان تو بصورت حامیم حرف منشور جلای تو بمعنی طاهاست

(همان: ۱۷۴)

در این بیت شاعر با استفاده از تلمیح به تصویرسازی پرداخته و گیسوی و دهان یار را به شکل حامیم تشبیه کرده است که از آن به‌عنوان تشبیه حرفی یاد می‌شود. تلمیح ممکن است با استعاره، تشبیه و مجاز همراه باشد که در این صورت بسیار زیبا خواهد شد؛ چون تلمیح به‌تنهایی چندان زیبا نیست. نمونه‌های دیگر تلمیح:

گنج قارون چو در این ره به پیشیزی نخرند رخ زردم به چه وجه این‌همه زر گرد آورد

(همان: ۲۹۸)

در داستان نیاید اسرار عشقبازان کانجا که قاف عشقست دستان چه کار دارد

(همان: ۲۱۰)

۴.۵ ویژگی‌های فکری

۱.۴.۵ مضامین غزلیات احمد اویس

عصر احمد بن اویس عصر غزل و عرفان است؛ اصولاً در سبک عراقی عرفان با غزل عجین شده است چون «در روزگاری که شیوه انوری و ظهیر با قصاید پُرنطنه و تملق‌آمیز آن‌ها تدریجاً محکوم و منسوخ می‌شد، غزل فارسی نمی‌توانست بی‌چاشنی عرفان برای خود حق حیات به‌دست آورد، آن هم در دوره‌ای که حتی شاهان و شاهزادگانش مثل شاه‌شجاع و سلطان اویس نیز از ذوق و حکمت و عرفان بی‌بهره نبودند.» (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۱۶۸) در غزلیات سلطان احمد اویس واژگان و اصطلاحات ویژه تصوف که بار معنایی عرفانی دارند، کاربرد فراوانی دارد. این واژه‌ها در هر بیت نماینده محتوایی عرفانی‌اند. بعضی از اصطلاحات عرفانی در دیوان سلطان جلایر:

تجرید:

۱۵۰ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

در عالم تجرّد یعنی ز جان تجرّد بیرون ز نیست و هستی در نیست و هست ماییم
(سلطان احمد، ۱۴۰۹: ۱۵۲)

مشاهده:

زان‌گه که در مشاهده در باز کرده‌ای جز نقش یار صورت محرم ندیده‌ای
(همان: ۱۷۲)

۲.۴.۵ اشعار انتقادی

از مباحث قابل طرح در غزل‌های احمد جلایری، اشعار انتقادی اوست. اصولاً یکی از مضامین مهم غزلیات این شاعر تازیانه طنزی است که بر شانه متصوفه و ژهاد و... فرود می‌آورد. در عصر حافظ و به تبع آن سلطان احمد اویس «فساد اجتماعی از فسادهای دیگر بارزتر بود؛ گو این که فساد سیاسی هم بیداد می‌کرد و دو نهاد مقدّس به تحریف و انحراف کشیده شده بود: شریعت و طریقت. و پیداست که در ایمن میانه چه بر سر حقیقت می‌آید!» (خرمشاهی، ۱۳۶۷: ۹۱) بنابراین، طبیعی است که شاعران اندیشه‌مند و مصلح به مبارزه با فساد و ریا برخیزند.

غزل‌های سلطان جلایری صفحه‌ای گشوده بر فساد آشکار نظام تصوف در آن روزگار است که نیش طنز احمد اویس در آن‌ها بیشتر متوجه زاهدان، واعظان، صوفیان و... است. البته باید گفت که گاهی این انتقاد صریح شاعر پیروی از سنت رایج در غزل قرن‌های هفتم و هشتم هجری است. منوچهر مرتضوی در مکتب حافظ عدم نگاه عمیق به مسائل عرفانی و سطحی‌نگری و ظاهرپرستی را از انگیزه‌های بدبینی و خرده‌گیری در شعر این دوره می‌داند. (ر.ک. مرتضوی، ۱۳۷۰: ۲۶-۲۵)

نصیحت می‌کند زاهد که ترک عشق کن احمد

مگو زاهد چه می‌گویی که من خود این هنر دارم

(سلطان احمد، ۱۴۰۹: ۵۳)

از جان دعای پیر مغان می‌کنیم و بس لعنت به وضع طایفه پارسا کنیم

(همان: ۲۳۵)

شرح حال و بررسی سبک‌شناختی غزلیات دیوان ... (لیلا باقری و دیگران) ۱۵۱

اصطلاحات و واژگان سمبلیک و نمادین عرفانی در غزلیات سلطان احمد دیده می‌شود؛ مانند «پیر مُغان، در مُغان، ساغر و...». این نوع کاربرد نمادین واژگان در عرفان از زاویه‌ای دیگر قابل توجیه است که

بیان مفاهیم گسترده عرفان در مضاربع و ابیات محدود، ممکن نبود و قالب ابیات غزل گنجایش چنین مفاهیمی را در برخی موارد نداشت و از سویی دیگر به مناسبت مشکلاتی که به‌علل مذهبی و اجتماعی برای بیان اندیشه‌های عرفانی وجود داشت، برخی واژه‌های جدید ابداع و برخی واژه‌ها در حالی که به مفهوم اصلی خود به‌کار می‌رفتند، به مفهوم دیگر و پُربارتری - که شاعران عرفانی از آن اراده می‌کردند - به‌کار گرفته می‌شد. (صبور، ۱۳۵۷: ۵۳۱-۵۳۰)

در مجلسِ رهروان معنی خون جگرست ساغر ما

(سلطان احمد، ۸۰۹: ۹۳)

ما معتکف در مُغانیم چون ابن اُویس بر در ما

(همان: ۱۳۶)

۶. عقل و عشق

عقل و عشق جدالی تاریخی به بلندای عرفان دارند. نكوهش عقل، خود به خود، غیرمستقیم ستایش چیز دیگری را به همراه دارد که ممکن است در نخستین مراحل، نام آن (عشق) نباشد، بلکه ایمان یا هدایت باشد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۵۱۱) بعضی از معتقدان از دیدگاه نقد اخلاقی معتقدند: «بحث مقابله و تعارض میان مغز و دل و یا عشق و عرفان از فرآورده‌های تصوف و نشأت گرفته از مذاهب بودایی و هندی است و ریشه اسلامی ندارد؛ زیرا نه در قرآن مجید به قدرتی به نام عشق اشاره شده و نه در کلام معصوم چنین چیزی آمده است و نتیجتاً بین عقل و قلب چنان تناقض و تعارضی که در آثار عرفانی مشاهده می‌شود، موجود نیست.» (رزمجو، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۰۴) در غزلیات سلطان احمد اُویس نیز این تقابل و صف‌آرایی عقل و قلب یا عرفان و فلسفه به چشم می‌خورد و یکی از درون‌مایه‌های غزل او بازتاب این کشمکش است.

دیوانگان عشقیم گم‌کردگان عقلیم آفاق که نفس خود را در هم شکست ماییم
(سلطان احمد، ۱۴۰۹: ۳۵۲)

این منم در عشقِ جانان سرفرازی می‌کنم عاشقم عاشق نه عاقل، عشق‌بازی می‌کنم
(همان: ۲۲۱)

تضاد میان عقل و عشق، کلماتی مثل مدرسه، مسجد، قبله و خانقاه را نیز روبه‌روی یک‌دیگر قرار داده است. زرین‌کوب در این باره می‌نویسد:

صوفیه هم به سبب تجاذب معنوی و برای آن‌که در مقابل هجوم مخالفان تنها نمانند جماعت‌های برادری و فرقه‌های خاصِ اخوت درست کرده‌اند و در برابر مسجد و مدرسه — که پناهگاه فُقها و متشرّعه بوده است — آن‌ها نیز برای خویش زاویه و خانقاه ساخته‌اند و رفته‌رفته آدابی و ترتیبی از آن خود به‌وجود آورده‌اند و بدین‌گونه عامهٔ مسلمانان خاصهٔ مستعدان و صاحب‌دلان را در راه بین مدرسه و خانقاه سرگردان داشته‌اند و این سرگردانی در ادب اسلامی مخصوصاً در شعر فارسی بین عقل و قلب معرکه‌ای پدید آورده است که داستان دراز دارد. (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۳۵)

احمد جلایری در بیت زیر این تقابل و رویارویی را به تصویر کشیده است:

برخیز ساقیا که تکلف رها کنیم عیش گذشته را به مودق قضا کنیم
محراب ما شدست حقیقت هلال دوست من بعد رو به قبله و مسجد چرا کنیم
(سلطان احمد، ۱۴۰۹: ۱۳۷)

۷. غزل‌های عاشقانه

از مضامین مهم و درخشان غزل، عشق است. در غزل‌های عاشقانه «اندیشه‌های عاشقانه — که مبین روحیهٔ شاعری شیدا و سر از پای نشناخته است — در وصف معشوق و جمال و زیبایی او سروده شده است.» (رستگارفسایی، ۱۳۷۲: ۵۸۹) کمتر غزلی است که احمد بن اویس از عشق سخن نگوید.

عشق سوزاننده و گدازنده است:

شرح حال و بررسی سبک‌شناختی غزلیات دیوان ... (لیلا باقری و دیگران) ۱۵۳

عشق آتشیست سوزان، آتش پرست ماییم سرخوش ز اول شب تا روز مست ماییم

(سلطان احمد، ۱۴۰۹: ۲۵۲)

غم عشق داشتن برتر از هر چیزی است:

مسکین دلم چنان به غمت گشت معتقد سوگند راست می‌خورد، آلا به جان غم

(همان: ۱۸۹)

در تحرک‌های عاشقانه عصر تیموری، عاشق، محروم و ستمکش است، از وصل نصیبی ندارد و حتی خود را لایق وصال نمی‌داند و یکی از مظاهر خفت عاشق، اشعاری است که در آن‌ها شاعر، خود را سگ معشوق خوانده است.

کس ندید اندر جهان چون ابن اویس و دلبرش یاری بی‌رحیم آن‌چنان و عاشق مسکین چنین

(همان: ۳۹۸)

کمتر از سگ بشدندی چه اگر جمله سنگند به گدایان درش گر بُدی پروایش

(همان: ۲۸۵)

آن‌گونه که اشاره رفت و به‌طور کلی، ویژگی‌های عمده فکری غالب بر غزلیات سلطان احمد را می‌توان در چهار محور تقسیم‌بندی نمود: مضامین عرفانی، مضامین انتقادی، مضامین عاشقانه و تلفیقی از مضامین عارفانه و عاشقانه. اگر بخواهیم میزان رویکرد و توجه شاعر را به هر یک از این موضوعات فکری بررسی نماییم، باید بگوییم که احمد جلایر، به مضامین عارفانه توجه و تمایل بیشتری نشان داده که این مسأله تحت‌تأثیر رواج غزل، به‌ویژه غزل عرفانی در این دوره است. در غزل‌های عاشقانه احمد بن اویس که در توصیف زیبایی‌های معشوق و هجران و دوری از او سروده شده است، تقریباً هیچ غزلی وجود ندارد که شاعر در آن به غم عشق و توصیف عشق نپرداخته باشد. با بررسی ابیات غزلیات این شاعر مشخص شد که بعد از مضامین عاشقانه، بیشترین آمار استعمال ابیات به غزل‌های انتقادی مربوط می‌شود؛ چرا که «دلیل این اعتراض‌ها پای‌بند بودن به آزادی، استقلال شخصی، اعلام حق نیکبخت بودن در زندگی و آزاد اندیشی و جلوه‌گاه همه آن‌ها، قالب غزل بوده است.» (یان‌ریبکا، ۱۳۵۴: ۴۴۹) بنابراین، احمد بن اویس توانسته است برای بیان انتقادهای صریح و تند خود به صوفیان و زاهدان ریایی، از قالب شعری غزل بهره‌بردارد.

۸. نتیجه‌گیری

سلطان احمد اویس مشهورترین پادشاه آل جلایر است. از این شاعر دیوانی بر جای مانده که ۳۳۷ برگ دارد و از سرنوشت این دیوان پیش از قرن حاضر اطلاعات اندکی در دست است. کتاب را اف. آر. مارتین در سال ۱۹۱۲ میلادی در استانبول خریده و در سال ۱۹۳۲ وارد مجموعه هنری نگارخانه فریر در واشنگتن دی. سی. و بازسازی کرده است. سرنوشت نخستین دیوان کاملاً بر حدس و گمان استوار است. این احتمال وجود دارد که دیوان یا به سلطان بایزید دوم اهدا شده یا به دست الوند میرزا - آخرین فرمانروای آق‌قویونلو که در سال ۹۰۷ هجری قمری از شاه اسماعیل شکست خورد و به دربار عثمانی گریخت، به دربار عثمانی راه یافته و سرانجام در نخستین سال‌های قرن بیستم در استانبول به دست مارتین رسیده باشد. اشعار دیوان سلطان احمد جلایری مهارت بسیار بالایی را در استفاده از فرم نظم و شعر معمولی که در اشعار فارسی پیدا می‌شود، به نمایش گذاشته است؛ هرچند که اشعار این دیوان به‌طور شایسته مطرح نشده و مورد بررسی قرار نگرفته است. سلطان احمد در اشعارش صورخیالی و هنری بسیاری به خدمت گرفته و اشعار وی در بسیاری از موارد ابیات حافظ را به ذهن متبادر می‌سازد، اما گویی سلطان از نتیجه کار خویش راضی نبوده و به همین دلیل از هنرمند توانای دربار خود و استعداد خارق‌العاده وی برای بیان بهتر مطلب ذهنی و مقصود خویش استفاده برده است.

کتاب‌نامه

منابع فارسی

ادوارد براون. (۱۳۵۷). *تاریخ ادبی ایران*، ترجمه علی‌اصغر حکمت، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.

بخارایی، ناصر. (۱۳۵۳). *دیوان اشعار؛ تصحیح مهدی درخشان*، چاپ اولف تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.

بیانی، شیرین. (۱۳۴۵). *تاریخ آل‌جلایر*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

بیانی، مهدی. (۱۳۵۸). *احوال و آثار خوشنویسان*، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.

تربیت، محمدعلی. (۱۳۱۴). *دانشمندان آذربایجان*، تهران: کتابخانه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

شرح حال و بررسی سبک‌شناختی غزلیات دیوان ... (لیلا باقری و دیگران) ۱۵۵

- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۷۰). *اسرار البلاغه*، ترجمه جلیل تجلیل، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی فسایی، حاج‌میراز حسن. (۱۳۶۷). *فارسانامه ناصری*، جلد اول، تهران: امیرکبیر.
- خاماچی، بهروز. (۱۳۸۹). *شهر من تبریز، تبریز: ندای شمس*.
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۶۷). *چارده روایت*، تهران: پرواز.
- خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۶۲). *تاریخ حبیب‌السیر*، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، چاپ سوم، بی‌جا.
- دولت‌شاه سمرقندی. (۱۳۶۶). *تذکره الشعراء*، به اهتمام محمد رضانی، چاپ دوم، تهران: خاور.
- دولت‌شاه سمرقندی. (۱۳۸۲). *تذکره الشعراء*، تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- رزمجو، حسین. (۱۳۷۵). *انواع ادبی*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۲). *انواع شعر فارسی*، شیراز: انتشارات نوید.
- رودکی سمرقندی. (۱۳۹۳). *دیوان رودکی*؛ تصحیح سعید نفیسی، تهران: نگاه.
- روملو، حسن. (۱۳۸۴). *احسن‌التواریخ*، تهران: چاپ عبدالحسین نوایی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). *ارزش میراث صوفیه*، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- سلطان‌احمد بن اویس، معز‌الدین. (۸۰۹ ه.ق). *دیوان اشعار سلطان‌احمد جلایر*، نگارخانه فریر، شماره 1932 f
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). *صورخیال در شعر فارسی*، چاپ چهارم، تهران: آگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). «عقل ورزیدم و عشقم به ملامت برخاست»، *مجله ایران‌شناسی*، سال ۱۳، شماره ۳، صص ۵۱۸-۵۱۰.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۱). *بیان*، چاپ دوم، تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). *سیر غزل در شعر فارسی*، تهران: فردوس.
- صبور، داریوش. (۱۳۵۷). *آفاق غزل فارسی*، تهران: انتشارات پدیده.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات در ایران*، چاپ ششم، تهران: فردوس.
- عبدالرزاق سمرقندی، کمال‌الدین. (۱۳۷۲). *مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین*، به‌کوشش عبدالحسین نوایی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- علی‌یزدی، شرف‌الدین. (۱۹۷۲ م). *ظفرنامه*، به‌کوشش عصام‌الدین ارویایف، تاشکند.
- غنی، قاسم. (۱۳۶۹). *تاریخ عصر حافظ*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات زوار.
- غیاثی، عبدالله بن فتح‌الله. (۱۹۷۵). *التاریخ‌الغیاثی (الفصل الخامس)*، بغداد: چاپ طاروق نافع حمدانی.
- کن‌بای، شیدا. (۱۳۷۸). *نقاشی ایرانی*، ترجمه مهدی حسینی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه هنر.
- مرتضوی، منوچهر. (۱۳۷۰). *مکتب حافظ*، چاپ سوم، تبریز: ستوده.

۱۵۶ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

مشکور، محمدجواد. (۱۳۵۲). تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری، تهران: انجمن آثار ملی.
نفیسی، سعید. (۱۳۶۳). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، چاپ دوم، تهران: فروغی.
یان ریگا. (۱۳۵۴). تاریخ ادبیات ایران، ترجمه عیسی شهابی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مقالات

آزند، یعقوب. (۱۳۸۲). «مکتب نگارگری بغداد»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۴، صص ۸۶-۸۲.
بساک، حسن؛ اسدی‌لاری، حسنیه. (۱۳۹۳)، «دمی با نامه نامی: معرفی، تصحیح، و نسخه‌شناسی
منشآت خواندمیر»، مجله کهن‌نامه ادب پارسی، دوره ۵، ش ۲، صص ۷۳-۴۵.
قزوینی، محمد. (۱۳۲۳). «تحقیقات ادبی حافظ و سلطان احمد جلایر»، نشریه یادگار، شماره یکم.

منابع خارجی

Brill, E.J. (1996). *Qasida Poetry in Islamic Asia & Africa* (classical Traditions E Modern Meanings. Edited by Stefan Sperl & Christopher Shackle.